

Giving birth



LIDA Italia



Sara Dorthea Johannesen



Shir Ahmad Laiwal



4



دری `prs` / English `en`

سلیهویت بیست و نوه ساله است. او به کودک اولش در اریتریه تولد داد. او و خانواده اش در آنجا سخت گذشتن، به این خاطر آنها فیصله کردند که ایتالیا بروند.

...

Selamawit is 29 years old. She gave birth to her first child in Eritrea. She and her family had a hard time there, so they decided to go to Italy.

اینگ خانه اش را قبل از نوزده ساله گی ترک کرد. او به نروژ منتقل شد و اولین زاین اش آنجا بود.

...

Inga left home just before she turned 19. She moved to Norway and had her first child there.

وقتی که سلیهویت بکودک دومش حمله شد، او فکر می کرد که یک طفل داشتن در کشور دیگر چگونه خواهد بود.

...

When Selamawit became pregnant with her second child, she wondered what it would be like to have a child in a different country.

سلیهویت و انگپس منظر مختلف را دارند. سلیهویت خود را محفوظ احساس کرد چرا که او تجربه زایهن را داشت. انگپس در مورد زایهن صحبت کرد.

...

Selamawit and Inga come from different backgrounds. Selamawit felt safe because she had experience with giving birth. Inga talked to her mother about giving birth.

هر دو زن شنیده بودند، که در کشورهای بیشتر اروپائی زنان حق محافظت صحی را دارند. به این معنی که آنان در وقت حمله گی حهیت خواهد داشت. سلیمهویت بعد از آگاهی درجه حمله بودنش به زودی در داکتر اش ملقات را تعیین کرد. شوهر سلیمهویت او را به داکتر برد.

...

Both women had heard that, in most European countries, pregnant women have the right to antenatal care. This means that they will get help during their pregnancies. Selamawit made an appointment with her doctor as soon as she realised she was pregnant. Selamawit's husband drove her to the doctor.

داکتر چند مهینه را کرد و معلوم کرد که او یک قسم بدبیت داشت که زینن حمله در وقت حمله گی به آن مبتلا می شوند. او باید غذا هی صحت می خورد و ورزش می کرد. سلیمهویت خوش بود که داکتر به وقت رقت، پیش از این که او و کودک اش مریض شود.

...

The doctor did some tests and found out that Selamawit had a kind of diabetes that some pregnant women get. She had to eat healthy food and exercise. Selamawit was glad she went to the doctor early, before she and her baby became ill.

وقتی که همسایه انگ شنید که او برای کودک کوشش دارد، همسایه اش به او گفت که هر چه زود که او از حمله گی اش خبر شد به دیدن داکتر ببیند. این گونه او می تواند مطمئن صحت خود و کودک اش باشد. داکتر به او گفت که اسید فولیک را بگیرد، یک ویتامین است که برای زنان حمله مهم است.

...

When Inga's neighbour heard that she was trying to have a baby, the neighbour told her to see a doctor as soon as she was pregnant. That way she could make sure that she and her baby were healthy. The doctor told her to take folic acid, a vitamin that is important for pregnant women.

انگ و داکتر اش به این موافق شدن که او بید در مدت حمله گی به قبله برود و خود را مهینه نهید. قبله برای او توصیه غذا و آرام کردن را داد، و معلومت که توسط او میتواند خود و کودک اش را چگونه محفوظ نگهدارد.

...

Inga and her doctor agreed that she would meet a midwife for regular check-ups during her pregnancy. The midwife gave her advice on food and rest, and information on how to keep herself and her baby safe and well.

هر دو زن به کودکان اینتن به سلامتی زایهن داد. سلیمهویت یک پسر دیگر را به دنیا آورد، و برعکس انگی یک دختر داشت. شوهران اینتن بسیر افتخر می کردند، و آنها به هر کس می گفتند که در مورد همسران و کودکان از فوت اینتن بخبر بودند.

...

Both women gave birth to healthy babies. Selamawit had another son, while Inga had a daughter. Their husbands were very proud, and they told everyone they knew about their strong wives and healthy children.



LIDA Stories

lidastories.net

زايمان

Giving birth

 LIDA Italia

 Sara Dorthea Johannesen

 Shir Ahmad Laiwal (prs)

